

نقش نگاه هستی‌شناسانه شهید قاسم سلیمانی بر رفتار مجاهدانه او

سیامک باقری چوکامی *

حسن حاجی‌شاه‌ولدی **

چکیده

باورها منشأ و مبادی تمام رفتارهای فردی و اجتماعی است. کسی که جهان و هستی را از او و به سوی او بداند و باور داشته باشد با کسی که چنین مبدأ و معادی اعتقاد نداشته باشد، دو نوع رفتار شاهد خواهیم بود. شهید سلیمانی نیز از این قاعده مستثنا نیست. پژوهش‌هایی که تاکنون انجام شده به این رابطه کمتر توجه کرده‌اند. از این رو، هدف این پژوهش بررسی نقش تفسیر و برداشت سردار سلیمانی از جهان هستی بر رفتار اجتماعی اوست. سوال اصلی این مقاله چگونگی امتداد یافتن مبانی هستی‌شناسی شهید سلیمانی در زندگی مجاهدانه اجتماعی آن است. برای پاسخ به این پرسش از روش توصیفی و تحلیلی و استراتژی تحلیل مضمون استفاده شد. مجموعه سخنانی‌های سردار سلیمانی، وصیت‌نامه، خاطرات و مصاحبه هم‌زمان او، جامعه آماری این پژوهش را تشکیل می‌دهند، که از طریق کدگذاری باز تجزیه و تحلیل شد. مهمترین یافته مقاله این است که دال مرکزی هستی‌شناسی شهید سلیمانی

* دانشیار گروه علوم سیاسی پژوهشگاه علوم اسلامی امام صادق (نویسنده مسئول: s.bagheri6@gmail.com).

** دانش‌آموخته سطح سه حوزه علمیه قم و پژوهشگر پژوهشگاه امام صادق (نویسنده).

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۱/۲۶ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۴/۱۵

توحید است که همه شئون زیست فردی و جمعی او را متأثر کرده و از این رهگذر منظومه رفتار مجاهدانه او منتهج یا راه نوینی را به مخاطب قرن بیست و یکمی نشان داده است.

کلیدواژه‌ها: جهان‌بینی، نگرش، هستی‌شناسی، رفتار مجاهدانه.

مقدمه

برای شناخت چرایی رفتار افراد ضروری است که باورها و نگرش‌های آنان مورد بررسی قرار گیرد (رضائیان، ۱۳۷۴: ۳۵-۳۴). بر اساس این قاعده هراندازه نگرش و باور انسان عمیق‌تر و قوی‌تر باشد، نفوذ آن در گرایش و رفتار نیز بیشتر خواهد بود.

شهید سلیمانی در طول عمر خود گفتارها، رفتارها و تعاملاتی را در عرصه‌های مختلف دفاعی، فرهنگی، اجتماعی و سیاسی داشته که در نزد مخاطبان بی‌نظیر و به‌عنوان یک الگو تلقی شده است. در این راستا پس از شهادت حاج قاسم خاطرات و کتاب‌ها، مقالات متعددی نوشته شده و مصاحبه‌های زیادی صورت گرفته است که قریب به اتفاق آنها در باره حکمت عملی و ویژگی‌های اخلاقی و رفتاری او است.^۱ اما اینکه حاج قاسم بر مبنای چه نوع نگرش و باوری، زندگی مجاهدانه‌ای را انتخاب کرده بود، مسئله این پژوهش است که آثار منتشر شده در این خصوص به آن التفاتی نداشته یا در کانون این نوشته‌ها و پژوهش‌ها قرار نگرفته است.

ارزشمندی بررسی نقش جهان‌بینی، نگرش و باور در رفتار مجاهدانه شهید سلیمانی، عبور از سطح ظاهری رفتارهای حاج قاسم به لایه‌ها و ریشه‌های آن است. گرچه زیست فردی و جمعی حاج قاسم آن قدر جذابیت داشته است که محبوبیت بسیار بالایی در بین مردم برخوردار شود، اما این الگوبرداری در صورت آشنایی و درک عمیق به مبانی و اصول رفتار مجاهدانه حاج قاسم، ژرف‌تر و پایدارتر و به‌دوراز افراط و تفریط خواهد شد. چه بسا فرهنگ مجاهدت از طریق شناخت توأمان حکمت نظری، حکمت عملی و سلوک رفتاری حاج قاسم سلیمانی بهتر در نسل جوان جامعه درونی یا نهادینه شده و کار ویژه‌های جامعه‌سازی و ساختارسازی را هم در پی داشته باشد.

۱. رجوع به بانک اطلاعاتی شهید سلیمانی، دسترسی در: <http://mgt.ihu.ac.ir/page/hard-revenge>

فرضیه پژوهش این است که نظام رفتاری و ارزشی شهید سلیمانی را نمی‌توان از مبانی معرفتی و جهان‌بینی اسلامی تفکیک کرد. او از یک اعتقاد مبنایی برخوردار بوده که بر پایه آن او را به یک انسان مجاهد، شجاع، مخلص، تکلیف‌گرا و مسئولیت‌پذیر تبدیل کرد.

۱. مبانی نظری و پیشینه تحقیق

۱.۱. هستی‌شناسی

هستی‌شناسی، دانش شناخت ساحت‌های مختلف هستی است. اسلام، هستی را به ماده منحصر نمی‌کند و ملک و ملکوت یا مادی و مجرد و دنیا و آخرت را برای جهان هستی می‌پذیرد (خسروپناه، ۱۳۹۲: ۱۳۰). در این تحقیق مقصود از نگاه هستی‌شناسی، بخشی از مباحث هستی‌شناسی است که برای رابطه با رفتار مجاهدانه شهید سلیمانی می‌توان استناد کرد. در این راستا، خداوند متعال یکی از مباحثی است که در کانون هستی و تنها رب حقیقی آسمان و زمین و تمام مخلوقات بوده و تنها اوست که هر حکمی را بخواهد در عالم اجرا می‌کند (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۱۹: ۲۵۲) و تدبیر همه امور عالم و هدایت آن برعهده اوست (همان، ج: ۱: ۳۴)، به طوری که تأثیر خدامحوری به‌منزله یک مبنای هستی‌شناسی بر رفتار، به آن صبغه و رنگ و بوی الهی، ربانی و عبادی و در یک معنا مجاهدانه می‌دهد.

۱.۲. رفتار مجاهدانه

مجاهده و جهاد از ماده جهد به فتح جیم به معنای مشقت و جهد به ضم جیم به معنای طاقت یا تلاش فراوان است (راغب، ۱۳۸۷: ۱۶۲). از نظر علامه طباطبایی مجاهده و جهاد، یعنی به‌کار بستن نهایت درجه قدرت و طاقت (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۱۶: ۱۵۲). در ادبیات فقهی مجاهد بر اساس ریشه جهد به معنای سعی و کوشش با صرف مال، ثروت، جان و به‌کارگرفتن تمام امکانات است، اما بر مبنای ریشه جهد به معنی گذشتن از مال، جان و صرف تمام نیرو و تحمل سختی‌ها در راه رسیدن به هدف و مقصود است (نوری، ۱۳۷۷: ۱۱). مجاهد در قرآن کریم ویژگی‌های مختلفی دارد از جمله به کسی گفته می‌شود که دین اسلام را به سرزمین‌های دیگر گسترش دهد و با دشمنان دین خود مبارزه کند (توبه: ۷۳). همچنین مجاهد کسی است که به‌خاطر خدا با نفس خود مبارزه کند (محمدری‌شهری و فرزنانگان، ۱۳۹۱: ۲: ۸۵۲). در تفسیر شهید مطهری هر عملی را که انسان

بخواهد برای خدا انجام دهد، خودش نوعی جهاد با نفس است (مطهری، ۱۳۹۲، ج ۲۷: ۲۶۰). افزون بر این، الهی بودن و قصد رضای خدا از مختصات جهاد و مجاهد است (همان، ۱۳۸۷: ۵۸۳). رهبر معظم انقلاب نیز علاوه بر موارد مزبور شرط مجاهد را فی سبیل الله بودن می‌داند و همه تلاش‌هایی که برای خدا و برای انجام وظیفه باشد، مجاهدت و جهاد فی سبیل الله است (بیانات رهبری در دیدار بسیجیان استان قم، ۱۳۸۹/۸/۲).

بنابراین، رفتار یا زندگی مجاهدانه یعنی تلاش فراوان، بی‌وقفه، پرمشقت، خستگی‌ناپذیر و از روی اخلاص و با همه توان و طاقت و با گذشتن از خود و ایثار جان و مال در راه خدا و با قصد رضای او و برای حصول به هدف‌ها و ارزش‌های متعالی الهی.

۳.۱. پیشینه پژوهشی

حاج قاسم سلیمانی به‌منابه یک پدیده باارزش نیاز به واکاوی علمی و پژوهشی دارد. پس از شهادت او آثار مختلفی توسط پژوهشگران به زیور طبع آراسته شد که می‌توان این‌طور دسته‌بندی کرد: ۱. دسته‌ای از تحقیقات، مبانی و شاخص‌های مکتب سلیمانی را بررسی نمودند. ۲. دسته‌ای از نویسندگان به ویژگی‌های شخصیتی و استقبال بی‌نظیر مردم توجه نموده و محتوای بررسی‌شان را به احصاء این ویژگی‌ها اختصاص دادند. ۳. برخی از نویسندگان هم به الگوی مدیریتی ایشان پرداخته‌اند. ۴. برخی دیگر زندگی حاج قاسم را از منظر دیگران که شاگردان و یاران ایشان باشد، مورد واکاوی قرار داده‌اند.

مجموع بررسی‌های فوق، نشان می‌دهد که یکی از خلأهای پژوهشی نقش نگاه هستی‌شناسی حاج قاسم در سیره رفتاری او است. تفاوت تحقیق حاضر در همین نکته نهفته است که تلاش دارد تا نشان دهد که عناصر عملی شهید سلیمانی ریشه در جهان‌بینی و حکمت نظری او از جمله هستی‌شناسی او دارد.

۴.۱. چارچوب نظری

تأثیر بینش و نگرش بر رفتار، چارچوب نظری این پژوهش را تشکیل می‌دهد. در این باره از منظرهای مختلفی نگریسته شده است. از منظر روان‌شناسی، عاطفه (گرایش) جنبه انرژی‌دهندگی دارد و همچون موتور و محرک شناخت (بینش) و نهایتاً رفتار است. در مقابل، آگاهی و

شناخت هم تأثیر بسزایی در تکوین عاطفه دارند، زیرا محبت و علاقه جز پس از معرفت و ادراک قابل‌تصور نمی‌باشد (محمود و دادستان، ۱۳۹۱: ۱۴۷). براین‌اساس «بینش» و «گرایش» دو عامل اساسی پیدایش «کنش» یعنی رفتار هستند (کوثری، ۱۳۸۶: ۱۱). از منظر فلسفی این رابطه با مفاهیم حکمت نظری و حکمت عملی توضیح داده شده است. حکمت عملی زاده حکمت نظری است. حکمت نظری دلالت بر «هست»ها و «است»ها دارد و حکمت عملی علم به تکالیف و وظایف انسان و جزو «باید»ها و مبنای علوم زندگی است (ر.ک. مطهری، ۱۳۷۹: ۱۷۸). رابطه جهان‌بینی با ایدئولوژی نیز به همین صورت است: «هرطور که ما در مورد جهان‌بینی فکر کنیم ناچار ایدئولوژی ما تابع جهان‌بینی ما خواهد بود (همان، ۱۳۷۷: ۳۴۱). جهان‌بینی نیز به معنی جهان‌شناسی است و از مقوله شناخت و به نیروی تفکر و تعقل انسان وابسته است. هستی به‌عنوان ممکن (جهان خلقت) یکی از شاخه‌های جهان‌شناسی است. هستی به معنای مطلق (اعم از واجب و ممکن) اعم از جهان‌شناسی است. رفتار انسان‌ها می‌تواند از هستی‌شناسی به معنای اخص و به‌عنوان یکی از عناصر جهان‌بینی تحت‌تأثیر بپذیرند.

بنابراین، هر قدر جهان‌بینی از حیث هستی‌شناسی به معنای اخص و انسان‌شناسی و جامعه‌شناسی، متعالی‌تر باشد، تأثیر بر رفتار و قداست بخشی به اصول و بایدها عمیق‌تر، پایدارتر و مستحکم‌تر خواهد بود. از این نظر، تأثیر‌گذاری بینش و تفسیر مادی از جهان و هستی (جهان‌بینی مادی) با بینش و برداشت الهی (جهان‌بینی مذهبی) تفاوت دارد. از نظر اندیشمندان اسلامی:

تنها ایمان مذهبی قادر است انسان را به‌صورت یک «مؤمن» واقعی درآورد؛ هم خودخواهی و خودپرستی را تحت‌الشعاع ایمان و عقیده و مسلک قرار دهد و هم نوعی «تعبد» و «تسلیم» در فرد ایجاد کند به‌طوری‌که انسان در کوچک‌ترین مسئله‌ای که مکتب عرضه می‌دارد به خود تردید راه ندهد (مطهری، ۱۳۸۹، ج ۲: ۴۰).

۲. روش‌شناسی تحقیق

نوع تحقیق در این پژوهش، توصیفی - تحلیلی و از استراتژی تحلیل مضمون برای استخراج داده‌ها و تبیین آن استفاده شده است. تحلیل مضمون از انواع تحلیل‌های کیفی برای دستیابی به نتیجه مفید است. در تحلیل مضمون به روش شبکه‌مضامین، سه‌گام برداشته می‌شود (ر.ک. عابدی جعفری و همکاران، ۱۳۹۰: ۱۹۸-۱۵۱). در ابتدا کدها که مضامین پایه نام دارند از متن اصلی

استخراج شدند. در مرحله دوم مضامین پایه با یکدیگر مقایسه و در مضمون‌های کلی‌تر که مضامین سازمان‌دهنده نام دارند، ادغام و تلخیص گردیدند. در مرحله سوم، نیز مضامین سازمان‌دهنده با یکدیگر مقایسه شده و در مضامین کلی‌تر که مضامین فراگیر نام دارند، ادغام شدند. سپس این مضامین به صورت نقشه‌های شبکه تارنما، رسم شده و مضامین برجسته هر یک همراه با روابط میان آنها تشریح می‌گردد.

۳. یافته‌های پژوهش و تجزیه و تحلیل داده‌ها

۳.۱. یافته‌های تحقیق

متونی که از طریق تحلیل مضمون، مضامین مختلف استخراج گردید، مجموعه سخنانی‌های منتشر شده سردار سلیمانی، وصیت‌نامه او، خاطرات و مصاحبه هم‌زمان او و سخنان رهبر معظم انقلاب در خصوص آن شهید بزرگوار بوده است. بر اساس این بررسی ۸۹ مضامین پایه استنباط شد که به مثابه شاخص‌های رفتار مجاهدانه در این پژوهش به شمار آمدند. سپس این مضامین به ۹ مضمون سازمان‌دهنده به مثابه مؤلفه‌های رفتار مجاهدانه شهید سلیمانی تبدیل گردید. با بررسی مضامین سازمان‌دهنده، به سه مضمون فراگیر رسیدیم که بیانگر نگاه سردار سلیمانی به هستی‌شناسی است. از آن جایی که جدول استخراج مضامین پایه از گزاره‌های منتخب از متون موصوف، حجم زیادی از مقاله را به خود اختصاص می‌داد، از آوردن آن در این مقاله پرهیز شد.

جدول مضامین پایه (شاخص)، مضامین سازمان‌دهنده (مؤلفه) و مضامین فراگیر (ابعاد)

مضامین فراگیر	مضامین سازمان‌دهنده	مضامین پایه
ایمان به حاکمیت ولایت الهی بر جهان و جامعه انسانی	تکیه به قدرت لایزال خداوندی در هر کاری	توکل، عزت‌خواهی از خداوند قادر متعال، نهراسیدن از خطر، شجاعت مدبرانه مبتنی بر قدرت الهی، حقیر و کوچک شمردن قدرت‌های مادی و استکبار، مجاهدت مستمر، مقاومت همه‌جانبه، پیش‌گامی و ثبات در عمل، پیروزی قلیل بر کثیر
	حرکت در محور عبودیت و بندگی	عدم تبعیت از شیطان درونی مقدمه رهایی از شیطان بیرونی، حریت و آزادگی، جهاد و مبارزه با طواغیت و سرپیچی از اطاعت غیر خدا، استکبارستیزی، تسلیم‌ناپذیری و سازش‌ناپذیری، عزت‌نفس، اعتماد به نفس
	ولایت‌مداری	در مسیر و خط ولایت، ارادت و تمسک به اهل‌بیت (ع)، سرباز ولایت، ولایت‌فقیه تنها نسخه نجات‌بخش، پایبندی به اصول و خط امام ره، پایبندی به حفظ اسلام، ج.ا.ا، حفظ خیمه ولایت رهبری، التزام عملی و قلبی به تدابیر رهبری، تعصب بر ولایت‌فقیه، دفاع از حریم ولایت، ولایت معیار جاذبه و دافعه، عاشورایی اندیشیدن و عاشورایی زیستن، منتظر بودن
ناظر و حاضر بودن خداوند در سلوک مجاهدانه	خودسازی، آرامش روحی و صبوری در تمام شرایط، صلابت شخصیت، خستگی‌ناپذیری، مرد سختی‌ها، حق‌مداری، کسب رضای الهی در هر کاری، تقدس هدف، خلوص و ایثار، از خودگذشتگی، بی‌تعلقی به دنیا، تطابق میان گفتار و عملکرد، پرهیز از وعده کذب، شهرت‌گریزی، عفو و گذشت، شریعت محوری، رعایت تمام مسائل شرعی، شکرگزاری همه‌جانبه، رازداری	
ایمان به جهان از اویی و به سوی اویی	امانت‌نگری در رفتار مجاهدانه	امانت بودن روح و جسم انسان، امانت بودن اسلام، امانت بودن نظام اسلامی، وفای به عهد، نگاه امانت‌گونه به پست‌ها و منصب‌های حکومتی

		حساسیت به امانت بیت‌المال، امانت بودن منابع انسانی، نوع‌دوستی، خدمتگزاری، خدمت بی‌منت، مردمی بودن
	انتخاب بهترین راه برای بازگشت به خالق	آخرت‌گرا، جهاد در راه خدا، شهیدانه زیستن، خواستنی بودن شهادت شوق وصل الهی، ملاقات خدا به بهترین وجه، شهیدپروری
ایمان به سنت‌های الهی	اعتماد به نصرت الهی	نصرت ناشی از مجاهدت در راه دین خدا، ناشی از استقامت، تقوا، ایمان و عمل صالح، اعتقاد به امدادهای الهی، نصرت الهی لیاقت می‌خواهد، یاری دین خدا، ذوب در خدا، ایمان و عمل صالح، جنگ دائمی با باطل، وحدت و جلوگیری از تفرقه در بین مسلمانان
	امید به پیروزی حق بر باطل	عدم شک و تردید در غلبه بر دشمن، امید وافر به پیروزی در همه عرصه‌ها
	تلاش مجاهدانه برای وحدت امت اسلامی	مهندسی ارتش مردمی چندملیتی از امت اسلامی، تلاش برای پیشگیری از اختلاف امت اسلامی، حفظ قدرت متراکم در بین امت اسلامی، نرم‌افزار مقاومت، طرح وحدت اسلامی، بنیان‌گذاری اجلاس‌ها و ارتباطات استراتژیک باشخصیت‌های مؤثر و بانفوذ در امت اسلامی

۲.۳. تشریح و تفسیر یافته‌ها

در نگرش شهید سلیمانی به جهان هستی، خداوند در کانون آن قرار دارد و تمام واقعیات جهان با این محور کلیدی تفسیر می‌شود. این نگاه به هستی و ایمان به آن رفتار شهید سلیمانی را مجاهدانه و فی‌سبیل‌الله کرد. چنان‌که او معنا و تصور از توحید را شکل‌دهنده معرفت و عمل متناسب با آن می‌داندست و به همین جهت می‌گفت: تصویری که شهید از توحید دارد با تصویری که دیگران از توحیدی دارند متفاوت است، زیرا تصور شهید از توحید، معرفتی را به او داد که او را به مقام عظیم و بزرگ رساند (ر.ک. مهروان فر، ۱۳۹۷: ۱۰۵). نگاه هستی‌شناسانه حاج قاسم محورهای مختلفی را شامل می‌شود که در این مقاله به سه محور اساسی آن و بخشی از نشانه‌های تأثیرش بر رفتار مجاهدانه او بررسی می‌گردد: وجود حاکمیت ولایت الهی بر جهان هستی و

انسان، واقعیت جهان آخرت و از اوایی به سوی اوایی بودن جهان هستی و وجود و حاکمیت سنت‌های الهی بر جهان و جامعه انسانی.

۳.۳. ایمان به حاکمیت ولایت الهی بر جهان و جامعه انسانی

بر اساس یافته‌های این تحقیق، یکی از جنبه‌های نگاه هستی‌شناسی شهید سلیمانی شناخت و باور به وجود قدرت و حاکمیت ولایت الهی بر جهان و جامعه انسانی است. نشان‌های تأثیرپذیری رفتار او از این نگاه واقع‌بینانه عبارت است از:

۳.۳.۱. تکیه بر قدرت لایزال خداوندی در هر کاری: شناخت حاج قاسم از وجود حاکمیت قدرت مطلق الهی بر جهان هستی و این که انحصار قدرت از آن خداوند است، او را به این نتیجه رساند که باید رفتارها متکی بر قدرت مطلق خداوند باشد. او بر اساس آیه: «مَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ» (طلاق: ۳). معتقد بود که ثمره تکیه بر قدرت الهی، انسان را شجاع، مقتدر، مقاوم و نفوذناپذیر می‌سازد (ر.ک. سلیمانی، ۱۳۹۶/۱۱/۲۶). گفته می‌شود که او در عمل، همواره متوکل بود و دو ابزار مهم خلوص و توکل را در کوله‌پشتی خویش داشته و همیشه با این دو، خودش را آماده خدمت کرده بود (جعفری، ۱۳۹۸/۱۰/۲۷). با این پشتوانه ایمانی او همیشه در قلب خطر بود و می‌گفت: «نترسید و نترسیم و نترسانیم» (سلیمانی، ۱۳۹۷/۳/۱۸). شجاعت او تهور نبود بلکه تدبیر بود و در همه میدان‌ها تجلی داشت (ر.ک. بیانات، ۱۳۹۸/۱۰/۱۸). از دیگر رفتارهای مجاهدانه ملهم از نگرش موصوف این بود که از نظر او عزت و اقتدار را باید فقط از خداوند متعال خواست؛ زیرا عزت حقیقی همه‌اش مال خداست؛ «مَنْ كَانَ يَرِيدُ الْعِزَّةَ فَلِلَّهِ الْعِزَّةُ جَمِيعاً» (فاطر: ۱۰). و بنابر آیه «وَتُعْزُّ مَنْ تَشَاءُ وَتُذَلُّ مَنْ تَشَاءُ» (آل‌عمران: ۲۶)، به هرکس که بخواهد براساس اطاعت از خدا و تقوای الهی اقتدارش را می‌دهد (ر.ک. اکبری مزدآبادی، ۱۳۹۸: ۸۹). در همین راستا، قدرت‌های مادی و استکباری را حقیر و کوچک می‌شمرد و می‌گفت: اگر خدا در ذهن کسی عظیم و بزرگ باشد نه تنها از هیچ کس نمی‌ترسد بلکه خدا کاری می‌کند که همه از او بترسند و کلید رمز پیروزی نیز درک عظمت خدا است (سلیمانی، ۱۳۹۲/۵/۲۴).

از آثار دیگر رفتار متکی به قدرت و ولایت الهی حاج قاسم، استقامت در برابر فشارها و تهدیدات دشمنان، کوچک شدن مشکلات در نگاه او و خستگی‌ناپذیری و ثبات قدم در مسیر

هدف الهی بود؛ به طوری که او آیه ۳۱ سوره فصلت «إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا تَتَنَزَّلُ عَلَيْهِمُ الْمَلَائِكَةُ أَلَّا تَخَافُوا وَلَا تَحْزَنُوا وَأَبْشِرُوا بِالْجَنَّةِ الَّتِي كُنْتُمْ تُوعَدُونَ» را در میدان عمل جاری ساخت و «أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ» (فتح: ۲۹) را به یک اصل رفتار مجاهدانه خود تبدیل نمود (ر.ک. طهماسبی و همکاران، همان: ۱۵-۳۴). از نظر او استقامت با نگرش الهی رمز کارآمدی در همه عرصه‌ها است. لذا بهترین راه مبارزه با قدرت‌های غربی، ایده مقاومت است (ر.ک. سلیمانی، ۱۳۹۷/۴/۹). نشانه دیگر توکل و تکیه به قدرت خداوند در رفتار مجاهدانه حاج قاسم، به مصاف جبهه وسیع دشمن رفتن با گروه قلیل با ایمان بود. شهید سلیمانی با این پشتوانه و ایمان به این آیه قرآن کریم که می‌فرماید: «چه بسیار گروه‌های کوچکی که به فرمان خدا، بر گروه‌های عظیمی پیروز شدند! و خداوند، با صابران و استقامت‌کنندگان است» (بقره: ۲۴۶). در لبنان، فلسطین، سوریه و عراق در عمل نشان داد که پیروزی قلیل مؤمن و صبار بر کثیر جبهه دشمن شدنی است.

۲.۳.۳. حرکت در محور عبودیت: عبودیت که انحصار فرمان‌برداری از خداوند و نهایت تسلیم در برابر خالق و اطاعت بی‌قید و شرط از او در تمام زمینه‌هاست، ریشه در نگرش حاج قاسم به کانون هستی یعنی توحید و ولایت مطلق الهی دارد. مهم‌ترین اثر حرکت در محور عبودیت از نظر او جهاد با نفس است. به باور او کسی می‌تواند مجاهد فی سبیل الله در همه عرصه‌های زندگی اجتماعی باشد که اول از عبودیت نفس خلاصی یابد، زیرا «مهم‌ترین دشمن انسان خود انسان است» (سلیمانی، ۱۳۹۷/۳/۱۸) و عدم تبعیت از شیطان درونی مقدمه‌رهایی از شیطان بیرونی است (ر.ک. طهماسبی و همکاران، همان: ۲۳ و اکبری مزداآبادی، ۱۳۹۸: ۱۴۵). بر همین پایه او می‌گفت: «اگر می‌خواهیم در این ساختار اثرگذار شویم باید از خودمان عبور کنیم» (سلیمانی، ۱۳۹۷/۴/۱۳). اثر دیگر عبودیت محوری در مجاهدت‌های حاج قاسم، جهاد و مبارزه با قدرت‌های مستکبر بود؛ به گونه‌ای که او را به الگوی رهایی و آزادی از ما سوی الله و مبارزه و جهاد تبدیل نموده و «توانست همه نقشه‌های نامشروع آمریکا در منطقه غرب آسیا را خنثی کند» (رهبر معظم انقلاب، ۱۸/۱۰/۱۳۹۸).

سازش‌ناپذیری با دشمنان از نشانه‌های دیگر عبودیت محوری در رفتار مجاهدانه حاج قاسم است؛ به طوری که او تسلیم‌شدن را یک خطای استراتژیک می‌دانست و عاقبت سازش با دشمن را خسارت محض و ذلت معرفی می‌کرد (سلیمانی، ۱۳۹۷/۱۲/۹). او از قیل چین بینشی، به دشمن

سوءظن داشت و بی‌اعتماد بود (ر.ک. سلیمانی، ۱۳۹۷/۱۲/۹). هستی‌شناسی توحیدی شهید سلیمانی، مجاهدت او را عاشقانه کرده بود؛ لذا می‌گفت: «جهاد در راه خدا تبلور عشق و اوج شعله‌ور شدن عشق است که مجاهد به آن دست پیدا می‌کند» (همان، ۱۳۹۷/۳/۱۸).

۳.۳.۳. ولایت محوری: ولایت محوری از شاخص‌های برجسته مجاهدت‌های حاج قاسم بود که ریشه در عمق ایمان او به ولایت تکوینی و تشریحی خداوند بر جهان داشت. در نزد حاج قاسم «ولایت‌فقیه رنگ خداست، و این رنگ را بر هر رنگی ترجیح می‌داد» (وصیت‌نامه، ۱۳۹۸/۱۱/۲۳). مجاهدت ولایت‌محورانه برای سلیمانی معیار چگونه زیستن و ملاک حبّ و بغض‌ها در همه مناسبات اجتماعی و بین‌المللی بود. اثر این رفتار، تمسک او به ولایت و قرارگرفتن در مسیر آن بود؛ لذا می‌گفت: «خداوندا! پیشانی شکر شرم بر آستانت می‌سایم که مرا در مسیر فاطمه اطهر و فرزندانش در مذهب تشیّع، عطر حقیقی اسلام، قرار دادی» (سلیمانی، ۱۳۹۸/۱۱/۲۳). از نظر او ولایت‌مداری باید در همه زندگی فردی و اجتماعی تجلی یابد. اثر دیگر ولایت محوری در رفتار مجاهدانه او این است که ولیّ حکیم زمان خود را فصل الخطاب و عاقبت‌به‌خیری را در مسیر ولایت محوری می‌دانست (همان). اثر این صفت رفتاری این است که می‌گفت برای مجاهدت و دفاع از قرآن ناطق [ولایت] هزاران بار هم شده باید جان داد (اکبری مزدآبادی، ۱۳۹۸: ۱۵۹). پایبندی و التزام او به خط امام ره از نشانه‌های ولایت محوری است. به همین جهت در رفتار مجاهدانه او، مکتب امام و ولایت برای او خط قرمز (بیانات رهبر معظم انقلاب، ۱۳۹۸/۱۰/۱۸) و تنها نسخه نجات‌بخش امت بود و باید برای نجات اسلام خیمه ولایت را رها نکرد (سلیمانی، ۱۳۹۸/۱۱/۲۳) و شناخت، حفظ و تقویت خیمه ولایت و ولیّ زمان واجب و تبعیت از ولایت در مواجهه با هر جبهه‌ای پیروزساز است (ر.ک. سلیمانی، ۱۳۹۶/۶/۳۰) و دفاع از اسلام نیز بدون دفاع از ولایت‌فقیه امکان‌پذیر نیست (ر.ک. سعادت نژاد، ۱۳۹۹/۵/۲۹). او مسرور است از این که اگر در رکاب پیامبر ﷺ برای جهاد نبود، اما عبد صالح خدا؛ خمینی کبیر را درک کرده و سرباز رکاب او شده است (سلیمانی، ۱۳۹۸/۱۱/۲۳). ویژگی ولایت‌محوری در رفتار حاج قاسم موجب شد تا مجاهدت‌های شهید سلیمانی زمان و مکان نشناسد و می‌گفت: «آدم‌ها می‌آیند و می‌روند آن چیزی که مهم است اتصال ما به ولایت است» (اکبری مزدآبادی، ۱۳۹۴: ۱۵۵). همچنین صبغه ولایت محوری حاج قاسم در همه رفتارهای او یک معیار تخلف‌ناپذیر جاذبه و دافعه در عرصه‌های اجتماع و سیاست بود.

از آثار عملی دیگر ولایت‌مداری، عاشورایی اندیشیدن و عاشورایی زیستن او است. به باور او «کشوری که در قلب، اسم حسین علیه السلام را دارد، فرهنگ عاشورا را دارد، باید در زیست و فرهنگ الگوی جهان شود» (سلیمانی، ۱۳۹۹/۵/۳۱). برای او همه زمان‌ها و مکان‌ها «کل یوم عاشورا و کل ارض کربلا» بود. نه هراسی از قدرت‌های مادی داشت و نه ترس از دست‌دادن جان در راه ولایت. ظلم‌ستیزی، حق‌طلبی، عزت‌محوری، آزادی‌خواهی، ایثارگری و شهادت‌طلبی رسم و سبک زندگی و رفتار مجاهدانه او بود. از نظر او کسی که در مدرسه امام حسین علیه السلام و حضرت زینب علیها السلام تربیت یابد، ظلم، ذلت و حقارت را هرگز نمی‌پذیرد. نمود این باور که رفتار حاج قاسم را مجاهدانه کرد، واکنش ویژه او به دشمن بود که گفت: «ما ملت شهادتیم. ما ملت امام حسینیم» (اکبری مزداآبادی، ۱۳۹۸: ۱۵۳).

۳.۳.۴. ناظر و حاضر بودن خداوند در سلوک مجاهدانه: این موضوع نفوذ عمیقی در بینش و رفتار مجاهدانه حاج قاسم داشت. به نظر او باور به اشراف و احاطه خداوند متعال بر عالم هستی، بزرگ‌ترین عامل مقاومت در میدان‌های جهاد اکبر، اصغر و کبیر است؛ لذا تأکید بر این جمله امام خمینی ره داشت که: «عالم محضر خداست و در محضر خدا گناه نکنید و در هر حال او را ناظر بر احوال خود بدانید» (سلیمانی، ۱۳۹۹/۹/۱). وصیت‌نامه او نیز مؤید صریح ایمان به خدا حاضری و خدا ناظری در سلوک شخصی و اجتماعی او است (ر.ک. سلیمانی، ۱۳۹۸/۱۱/۲۳).

آثار و نشانه‌های ناظر و حاضر بودن خداوند در سلوک مجاهدانه حاج قاسم، آرامش، صبر، عدم اضطراب و ترس و نداشتن شک و دودلی در تمام شرایط از جمله در هنگامه‌های خطر و تهدید بود (ر.ک. سلیمانی، ۱۳۹۸/۱۰/۱۴). در واقع او مصداق این آیه قرآن بود «الَّذِينَ آمَنُوا وَتَطْمَئِنُّ قُلُوبُهُمْ بِذِكْرِ اللَّهِ أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ؛ آنها که به خدا ایمان آورده و دل‌هایشان به یاد خدا آرام می‌گیرد، آگاه شوید که تنها یاد خدا آرام‌بخش دل‌هاست» (رعد: ۲۸) که صاحب تفسیر نور آن را به آرامش ناشی از خدا ناظری و در محضر خدا بودن معنا کرد (قرائتی، ۱۳۸۳: ۳۵۷). حاج قاسم به دلیل درک وجود نظارت الهی بر اعمال انسان‌ها معتقد بود که رفتار مجاهدانه، تنها با نیت کسب رضای خدا ارزش دارد و رضایت خدا و ولی خدا هم تنها در عمل به تکلیف الهی است. از این رو، «سردار سلیمانی بالاترین هجرت را داشت تا بتواند از این طریق رضایت خداوند را جلب کند» (قرائتی، ۱۳۹۸/۱۰/۱۹). تکلیف الهی در رفتار مجاهدانه او نیز جز با خلوص و ایثار در عمل میسر

نیست؛ زیرا «معرفت به خداوند سبحان، موجب تسلیم و رضای انسان و بی‌نیازی از دیگران می‌شود» (سلیمانی، ۱۳۹۸/۱۱/۱۶). نتیجه اینکه، مجاهدت او از هر تعلقی به‌غیر از خدا مبرّی بود و اعتقاد داشت که وجود اخلاص، اثر واقعی در جهان عین دارد؛ «علت پیروزی شهدا این بود که خود را در خود حل کردند» (ر.ک. سلیمانی، ۱۳۹۶/۱۰/۲۸). اثر دیگر حس نظارت دائمی خداوند بر اعمال انسان‌ها، حاج قاسم را مجاهد بسیار متشرع ساخته بود. بر همین مینا و معنویت و اخلاص بدون شریعت را ناقص می‌دانست و به‌رغم پیچیدگی صحنه‌های عملیات، از رعایت حدود شرعی، حتی در بحرانی‌ترین لحظات غفلت نمی‌کرد (ر.ک. بیانات رهبر معظم انقلاب، ۱۳۹۸/۱۰/۱۸) و تکلیف الهی ولو مستحبی‌اش را بر زمین نمی‌گذاشت (طهماسبی و همکاران، ۱۳۹۹: ۱۵۴).

۴.۳. ایمان به جهان از اویی به سوی اویی

«شهادت می‌دهم که قیامت حق است، قرآن حق است، بهشت و جهنم حق است، سؤال و جواب حق است، معاد، عدل، امامت، نبوت حق است» این عبارت در وصیت‌نامه شهید سلیمانی نشان‌دهنده یکی از زیربناهای معرفت هستی‌شناسی او است. جهان در نزد حاج قاسم از اوست و به‌سوی او روان است. بر اساس بینش «از اویی» جهان در نزد شهید سلیمانی امانت است و بر مبنای بینش «به سوی اویی» باید بهترین راه برای بازگشت به خالق را انتخاب کرد. این نگاه به جهان هستی ویژگی خاصی بر رفتار مجاهدانه حاج قاسم داشته است که آثار آنها را در دو محور کلی زیر نشان داده شد.

۴.۳.۱. امانت‌نگری در رفتار مجاهدانه: در نگاه هستی‌شناسی شهید سلیمانی، همه

اجزاء جهان از جمله انسان و هرآنچه در اختیار اوست، همه ملک خداوند متعال است. چون مالک حقیقی هستی، خداوند متعال است؛ پس هرآنچه در جهان هستی است امانتی بر عهده انسان است. افزون بر این، خود انسان و هرآنچه در اختیار او قرار می‌گیرد نیز امانت الهی است. در این راستا، روح و جسم انسان امانت هستند، زیرا او معتقد به «نَفَخْتُ فِيهِ مِنْ رُوحِي» (صاد: ۷۲) و «آدمی محلّ امانت است» (موسوی خمینی، همان، ج ۵: ۶۲۶) بود؛ لذا آثار این موضوع در رفتار مجاهدانه حاج قاسم این است که خود فراموشی و بی‌توجهی به استکمال روحی، معصیت الهی و خیانت بر امانت محسوب می‌شود. به باور او:

هیچ انسانی بدون حرکت نیست و سرمنشأ حرکات، تعلقات است که انسان را وادار به حرکت می‌کند. این تعلقات یا از منشأ مادی و منفی برخوردار است و یا از منشأ معنوی و مثبت که هرچه این حرکت متعالی باشد به یک هیجان تبدیل شده و انسان با بی‌قراری به سمت آن می‌رود که در زندگی شهدا این حرکات معنوی جوششی عارفانه و عاشقانه و هدف‌گذاری آن‌ها رسیدن به معبود بود. اگر وجود انسان پُر شود از تعلق به خداوند، از دیگر تعلقات تهی می‌شود (سلیمانی، ۱۳۹۷/۵/۴).

آثار امانت‌نگری در رفتار مجاهدانه حاج قاسم محدود به همین مورد نیست بلکه دارای گستره وسیعی است که حفظ امانت دین اسلام در این گستره حائز اهمیت است. او به این آیه شریفه «إِنَّا عَرَضْنَا الْأَمَانَةَ عَلَى السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَالْجِبَالِ فَأَبَيْنَ أَنْ يَحْمِلْنَهَا وَأَشْفَقْنَ مِنْهَا وَحَمَلَهَا الْإِنْسَانُ» (احزاب: ۷۲) عنایت ویژه‌ای داشت و مانند امام خمینی علیه السلام که فرمود: «اسلام امروز در دست ما امانت است و لازم است که او را حفظ کنیم و به این امانت خیانت نکنیم» (موسوی خمینی، ۱۳۸۹، ج ۱۵: ۸)، خود را حافظ اسلام می‌دانست و در همه مراحل زندگی‌اش تلاش می‌کرد نسبت به این امانت الهی وفادار باشد و با عمل به دستورات آن در حق این نعمت عزیز الهی کوتاهی نکند. ایشان حفظ آبروی اسلام را بالاتر از آبروی خود می‌دانست و به خاطر همین، با وجود مخالفتها علیه حضور ایران در سوریه، می‌گفت: «من فقط می‌دونم اسلام این رو از من می‌خواد» (طهماسی و همکاران، همان: ۶۱). اثر دیگر امانتداری در مجاهدت‌های حاج قاسم حفظ جمهوری اسلامی است. یعنی او علاوه بر اسلام، جمهوری اسلامی را نیز امانت الهی و دفاع از آن را مساوی با دفاع از اسلام می‌دانست (سلیمانی، ۱۳۹۹/۷/۹) و همواره یادآوری می‌کرد: «بزرگترین امانت سپرده شده به ما جمهوری اسلامی است» (سلیمانی، ۱۳۹۹/۹/۵). او مانند امام علیه السلام معتقد بود «نظام اگر آسیب دید، نماز آسیب می‌بیند، دین آسیب می‌بیند... این نظام هم دیروز ارزش این را داشت که هزاران نفر برای آن شهید بشوند، هم امروز ارزش این را دارد که هزاران نفر دیگری در راه آن شهید بشوند» (اکبری مزداآبادی، همان: ۱۴۷).

وقتی همه چیز درجهان هستی نزد حاج قاسم امانت الهی است با پست‌ها و منصب‌های حکومتی نیز امانت گونه برخورد می‌کرد (ر.ک. سلیمانی، ۱۳۹۷/۵/۴). بیت‌المال مسلمین نیز امانتی در نظام اسلامی است. حاج قاسم در رفتار خود، وفادار و ملتزم به این بینش قرآنی است که: «خداوند به شما فرمان می‌دهد که امانت‌ها را به صاحبانش بدهید» (نساء: ۵۸). او با همین نگرش

به حافظان بیت‌المال افتخار می‌کرد (ر.ک. اکبری مزدآبادی، همان: ۱۲۱). منابع انسانی و نیروهای تحت امر او نیز امانتی الهی تلقی می‌شد (سلیمانی، ۱۳۹۶/۱۰/۹) و در رفتار مجاهدانه خود، حاضر بود جانش را بدهد اما رزمندگان را تنها نگذارد (ر.ک. طهماسبی و همکاران، همان: ۱۱۸).

۳.۴.۲. انتخاب بهترین راه برای بازگشت به خالق: بر اساس بینش توحیدی تمام موجودات جهان در یک حرکت عمومی و تحت یک جاذبه عمومی از مبدأ واحد و به سوی مقصدی واحد روان‌اند (مطهری، ۱۳۹۴، ج ۲: ۱۵۳) حاج قاسم با این اعتقاد، رفتاری را برگزید که «بهترین راه به سوی خدا» باشد؛ لذا برای او گام برداشتن در راه جهاد و شهادت دو راه اصلی برای قرب الهی بود. اثر این گام نیز به گونه‌ای است که او همه عمر خود را در این راه گذاشت (پیام رهبر معظم انقلاب، ۱۳۹۸/۱۰/۱۳). در مجاهدت‌های او، جهاد با هیچ چیز برابری نمی‌کرد. برای این که حاج قاسم به این آیه شریفه: «وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَهُمْ سُبُلَنَا» (عنکبوت: ۶۹) ایمان حقیقی داشت و به هر نوع جهادی که انسان را به قرب و رضوان الهی برساند، اهتمام می‌ورزید (ر.ک. تولایی، ۱۳۹۸: ۱۵). با الهام از روایات ائمه معصومین علیهم‌السلام معتقد بود هر خوبی یک خوبی بالاتری هم دارد اما بالاتر از شهادت چیزی وجود ندارد (سلیمانی، ۱۳۹۴/۱۰/۱۰). اثر عملی این نگاه بر رفتار او این بود که می‌گفت باید بالاترین ارزش خود که همان جان فرد است، در راه خدا تقدیم کرد (سلیمانی، ۱۳۹۵/۲/۱۴).

در کنار جهاد، شهیدانه زیستن راه بی‌بدیل به سوی اوپی است. به باور او شهید شدن به شرط شهید بودن است و نیل به شهادت، منوط به شهیدانه زیستن است (سلیمانی، همان). شهیدانه زندگی کردن در رفتار مجاهدانه او به معنای حفظ و تداوم بخشی حالات و ویژگی‌های شهید در زمان حیات است. از این رو، می‌گفت «اگر آرزوی شهادت دارید، اول باید شهیدانه زندگی کنید تا به آن مقام والای شهادت نائل شوید» (سلیمانی، ۱۳۹۷/۵/۴). البته شهیدانه زیستن در رفتار مجاهدانه سلیمانی ریشه در توحیدی عبودی به‌عنوان یکی از ارکان هستی‌شناسانه او نیز دارد، از نظر او کسی شهیدانه زندگی می‌کند که عبودیت را در همه زندگی فردی و اجتماعی خود جاری و ساری کرده باشد؛ از خود و برای خود ملکیتی قائل نباشد، هرآنچه را که هست و دارد از ذات اقدس الهی بداند و تمام فعالیت‌ها و تلاش‌هایش را برای خدا خالص کند. از این منظر، از آثار شهیدانه زیستن در رفتار او، زیستنی از نوع هجرت است؛ حرکت دائم و هجرت مستمر از خود و

همه دل‌بستگی‌های دنیایی به‌سوی لقای پروردگار است. اگر چنین زیستنی فراهم شود و این هجرت صورت عملی پیدا کند، شهید هم نشود، باز مقام شهادت را دارد (همان). اثر عملی دیگر هستی‌شناسی توحیدی در رفتار مجاهدانه حاج قاسم، خواستنی بودن شهادت است. در نظر و عمل او، شهادت دادنی نیست. خواستن نیز تنها به زبان نیست، بلکه باید به‌خوبی در همه زوایای زندگی فردی و جمعی تبلور یابد؛ به‌گونه‌ای که بوی شهید از چنین رفتاری به استشمام برسد (سلیمانی، همان). همچنین خواستنی بودن شهادت تنها و در حد آرزو نیست، بلکه تلاش مجاهدانه می‌خواهد (همان). اثر دیگر این نگاه به سوی اوایی به جهان در مجاهدت‌های حاج قاسم نحوه شهادت بود. از نظر او آنان که در آرزوی شهادت‌اند و در بستر مرگ می‌میرند، مرتبتی چون شهیدان دارند. یا فرد با ایمانی که تنها جهت کسب رضایت خداوند و بدون هیچ چشم داشت مادی، با دشمنان جهاد نموده و در این راه کشته شود، در شهید بودن او شکی نیست (آل‌عمران: ۱۶۹). اما نوعی دیگر از شهادت‌طلبی است که به بهترین وجه به رضوان الهی نائل می‌شود. حاج قاسم دنبال چنین شهادتی بود (ر.ک. طهماسبی و همکاران، همان: ۱۵۷).

تجلی نگاه به جهان با ماهیت به سو اوایی، در کنش اجتماعی حاج قاسم، شهیدپروری به‌عنوان اکسیر غیرت و معنویت بود؛ لذا می‌گفت: «عزت به سبب وصل شدن شهدا به مدار مغناطیسی الهی از طریق اطاعت از خدا و تقوای الهی به دست می‌آید» (اکبری مزدآبادی، ۱۳۹۸: ۸۹) و تزریق اکسیر شهادت در ملت‌های اسلامی علاج مشکلات جامعه و امت اسلامی است (همان).

۳.۵. ایمان به حاکمیت سنت‌های اجتماعی الهی

سنت‌های الهی یکی از مبانی اساسی هستی‌شناسی در معرفت دینی است. حاج قاسم به سنت‌های الهی در جهان ایمان کامل داشت و رفتار مجاهدانه او متأثر از آن بود. او سنت‌های الهی را در دفاع مقدس تجربه کرده بود (قالیباف، ۱۳۹۹/۷/۲). اعتماد او به نصرت الهی، امید به پیروز حق بر باطل و اعتقاد راسخ بر تعیین‌کنندگی عنصر وحدت در پیروزی جنگ حق بر باطل از نشانه‌ها و آثار پربسامد در کلام و مجاهدت‌های حاج قاسم بود.

۳.۵.۱. اعتماد به نصرت الهی: از ویژگی‌های ثابت رفتار مجاهدانه سلیمانی اعتماد به وعده‌های الهی در همه عرصه‌ها دانست. روایت حاج قاسم از داستان عبور حضرت موسی و

بنی اسرائیل از رود نیل و نجات آنها از دست فرعون دلالت بر اعتقاد و اعتماد او به وعده تخلف‌ناپذیر نصرت الهی «إِنْ تَنْصُرُوا اللَّهَ يَنْصُرْكُمْ؛ و خداوند کسانی را که یاری او کنند یاری می‌کند» (محمد: ۷) و امیدی پایان‌ناپذیر به یاری خدای متعال داشت (ر.ک. سلیمانی، ۱۳۹۷/۱۲/۸). به باور سلیمانی بخش مهمی از نصرت الهی به عمل انسان و امت اسلامی بستگی دارد و نصرت الهی لیاقت می‌خواهد (ر.ک. اکبری مزداآبادی، ۱۳۹۸: ۱۴۳). او در عمل مجاهدانه خود نشان داد که یاری دین خدا، نصرت الهی را به دنبال می‌آورد «وَلَيَنْصُرَنَّ اللَّهُ مَنْ يَنْصُرُهُ» (حج: ۴۰). در واقع او به تجربه، قاعده «إِنْ تَنْصُرُوا اللَّهَ يَنْصُرْكُمْ» را می‌فهمید و می‌گفت اگر توانایی انسان یک درصد باشد و آن یک درصد خود را صددرصد عملی کند، خداوند متعال او را حتماً یاری خواهد داد. استعاره شهید سلیمانی در این خصوص «از تو حرکت، از خدا برکت» است. یعنی تا زمانی که از ناحیه انسان باایمان حرکتی در راه دین و حق و حقیقت صورت نگیرد، نباید انتظار یاری و کمک خداوند متعال داشته باشد (سلیمانی، ۱۳۹۴/۸/۱۰). همچنین حاج قاسم در عمل اثبات کرد که قاعده «مجاهدت برای خدا» و «از تو حرکت و از خدا برکت» هیچگاه بن بست نمی‌خواهد بود؛ لذا شرایطی که در نزد خیلی‌ها لاینحل و ناشدنی بود، در نزد او شدنی بود (ر.ک. همان). افزون بر این او استقامت در برابر دشمنان را شرط تحقق نصرت الهی می‌دانست. «إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا تَتَنَزَّلُ عَلَيْهِمُ الْمَلَائِكَةُ أَلَّا تَخَافُوا وَلَا تَحْزَنُوا وَأَبْشُرُوا بِالْجَنَّةِ الَّتِي كُنْتُمْ تُوعَدُونَ؛ به یقین کسانی که گفتند: پروردگار ما خداوند یگانه است! سپس استقامت کردند، فرشتگان بر آنان نازل می‌شوند که: نترسید و غمگین مباشید، و بشارت باد بر شما به آن بهشتی که به شما وعده داده شده است!» (فصلت: ۳۰). نشان دیگر نگاه هستی‌شناسی بر رفتار او این بود که نتیجه ایستادگی و مقاومت را از دو حال خارج نمی‌دانست یا غلبه بر دشمن و یا شهادت، که هر دو، فتح و پیروزی است (سلیمانی، ۱۳۹۸/۸/۱۰). او در مجاهدت‌های خود نشان داد که اخلاص و تقوا عامل تحقق نصرت الهی است. لذا می‌گفت:

او چون ذوب در خدا شده است اخلاص پیدا کرده و چون اخلاص پیدا کرده او اتصال پیدا کرده. وَإِذَا صَلُّوا اتَّصَلُوا، وَإِذَا اتَّصَلُوا لَا فَرْقَ بَيْنَهُمْ وَبَيْنَ حَبِيبِهِمْ؛ یعنی اگر این اتصال به وجود آمد فرقی بین آن‌ها و حبیب آن‌ها و معبود آن‌ها نیست. عَبْدِي أُطْعِمِي أَجْعَلْكَ

مِثْلِي، أَقُولُ كُنْ فَيَكُونُ، تَقُولُ كُنْ فَيَكُونُ؛ یعنی ای بنده من مرا بندگی کن تا تو را به جایی می‌رسانم که مانند من شوی، من به هر شیئی بگویم بشو بلافاصله ایجاد خواهد شد تو نیز این قدرت را خواهی یافت که هر کاری را که خواهی، به‌گویی تا ایجاد شود. این یک قاعده الهی است (سلیمانی، ۱۳۹۵/۲/۱۴).

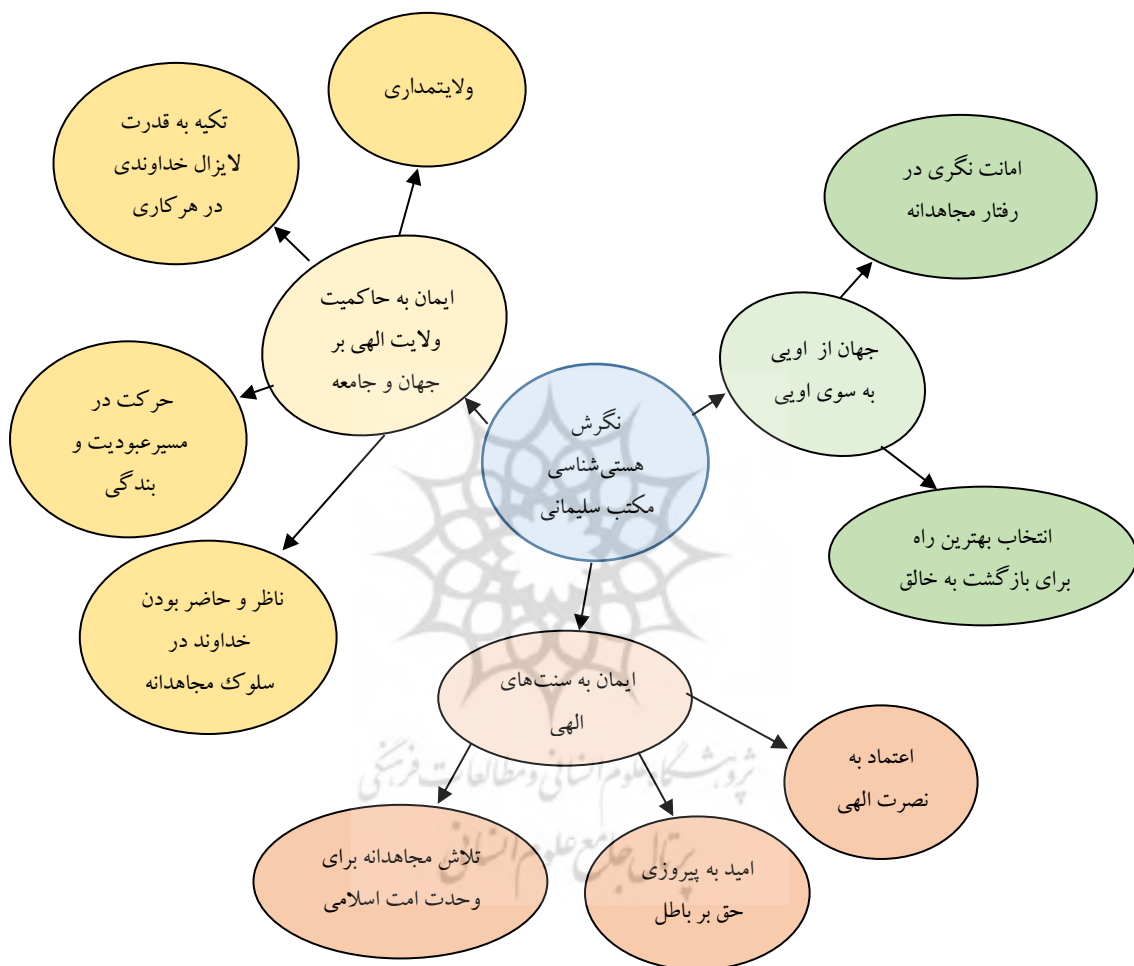
او این قاعده الهی را برای امت اسلامی لازم می‌دانست و می‌گفت اگر امت اسلامی از طریق اخلاص و تقوا، اتصال حقیقی با خالق خود برقرار کند، خداوند به او قدرت و اقتداری می‌دهد که شکست‌ناپذیر خواهد بود؛ لذا او ثابت کرد که باایمان و عمل صالح هیچ خط دفاعی نمی‌توانست از نفوذ نیروهای ما به داخل منطقه دشمن جلوگیری کنند (ر.ک. اکبری مزدآبادی، ۱۳۹۸: ۹۷).

یکی دیگر از آثار رفتار مجاهدانه حاج قاسم که نشئت گرفت از ایمان او به سنت‌های الهی بود، امید به پیروزی حق بر باطل است. او به این تفسیر علامه طباطبایی که جنگ بین حق و باطل همیشگی است و هیچ‌وقت باطل دوام نمی‌یابد (طباطبایی، همان، ج ۱۳: ۲۴۴)، اعتقاد داشت. در همین چارچوب حاج قاسم، استکبارستیزی و صهیونیسم‌ستیزی را در چارچوب جنگ دائمی حق و باطل تعریف می‌کرد و در نظر و عمل نشان داد که در این جنگ، مامشات راه ندارد و محدود به موضع‌گیری در برابر باطل هم نیست، بلکه مبارزهٔ مردانه با باطل در میدان عمل راه اصلی است. یکی از آثار این موضوع در مجاهدت‌های حاج قاسم، عدم شک و تردید در غلبه بر دشمن است. او شکی در پیروزی بر آمریکا و رژیم صهیونیستی نداشت و می‌دانست که اگر از ناحیه مردان باایمان حرکتی صورت گیرد و حق جهاد را ادا کنند خداوند متعال بر اساس وعده‌ای که داده است فوجی از ایمان و حق‌پرستی را به حرکت درمی‌آورد «فَيَدْمُهُ فَإِذَا هُوَ زَاهِقٌ وَ لَكُمْ الْوَيْلُ مِمَّا تَصِفُونَ»، در نظر او مصداق این آیه قرآن، مقابله حزب‌الله با رژیم صهیونیستی است؛ به‌گونه‌ای که حزب‌الله در این جنگ مثل یک زلزله ۹ ریشتری اسرائیل را آلك کرد (ر.ک. سلیمانی، ۱۳۹۹/۱۰/۱۰).

امید وافر به پیروزی در همه عرصه‌ها از نشانه‌های دیگر رفتار مجاهدانه حاج قاسم است که ملهم از نگاه هستی‌شناسی به سنت‌های الهی است؛ لذا با قاطعیت می‌گفت که هیچ یک از بازیگران در سوریه در برابر اراده الهی تاب مقاومت را ندارند و پیروزی برای مؤمنانی که لیاقت دارند، حتمی است (سلیمانی، ۱۳۹۶/۹/۵). اثر میدانی این رفتار است که می‌گفت در برابر چهارهزار

انتحاری ایستادند (ر.ک. اکبری مزدآبادی، همان: ۱۳۴). نکته کلیدی در ایستادگی و پیروزی فهم حق و باطل است؛ لذا می‌گفت: «تیزفهمی بین این دو راه، که راه حق و راه باطل کدام است، خیلی مهم است» (همان). او بر اساس تجربه در جنگ ۳۳ روزه لبنان تصریح دارد که: هرکسی که به قدرت الهی عبودیت داشته باشد این درس اثر می‌گذارد... (سلیمانی، ۱۳۹۸/۷/۹).

اثر دیگر شناخت حاج قاسم از سنت الهی پیروزی حق بر باطل در جهان هستی، تلاش مجاهدانه برای وحدت امت اسلامی است، زیرا او به «وَأَعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعاً وَلَا تَفَرَّقُوا» (آل عمران: ۱۰۳) و «وَأَطِيعُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَلَا تَتَّزِعُوا فَتَفْشَلُوا وَتَذْهَبَ رِيحُكُمْ» (انفال: ۴۶) به عنوان سنت‌های الهی اعتقاد راسخ داشت و در این راه قدم‌های اساسی را برداشته بود؛ به گونه‌ای که رهبر معظم انقلاب از او به عنوان قهرمان امت اسلامی و اسم رمز برانگیختگی و بسیج مقاومت در دنیای اسلام یادکرد. بنیان‌گذاری اجلاس‌ها و ارتباطات استراتژیک با شخصیت‌های مؤثر و بانفوذ در امت اسلامی، احیای امت اسلامی در برابر دشمنان، مهندسی وحدت جبهه مقاومت و مسلمانان در جهان، ایجاد اعتمادبه‌نفس در امت‌های اسلامی، بهره‌گیری از پتانسیل نیروهای مردمی و امت اسلامی و انسجام‌بخشی آنها برای مقابله با دشمن، جلوگیری از تحقیر امت اسلامی و جلوگیری از تفرقه در امت اسلامی و مهندسی ارتش مردمی چندملیتی از امت اسلامی محصول رفتارهای مجاهدانه حاج قاسم مبتنی بر سنت الهی وحدت بود. اساساً ایشان رمز پیروزی‌ها را در تجمیع قدرت متراکم در بین امت اسلامی می‌دانست و برای حفظ این قدرت متراکم تلاش وافر داشت (ر.ک. شجاعی، ۱۳۹۹/۱۰/۱۳). او می‌دانست تلاش مجاهدانه برای حفظ و تحکیم وحدت اسلامی بر پایه «يُدُ اللَّهُ فَوْقَ أَيْدِيهِمْ» (فتح: ۱۰) سبب خواهد شد تا خداوند متعال نیز نعمت همدلی و پیروزی را نصیب مسلمانان نماید (ر.ک. شجاعی، ۱۳۹۹/۱۰/۱۳).



نمودار شبکه مضامین نقش‌نگرش هستی‌شناسی مکتب سلیمانی در رفتار مجاهدانه او

نتیجه‌گیری

بینش، منش و کنش سردار سلیمانی ارتباط منطقی با هم دارند. رفتار مجاهدانه او متأثر از بینش هستی‌شناسی توحیدی او است. جهان‌شناسی شهید سلیمانی، توحیدی است و دال مرکزی آن را توحید افعالی و ربوبی تشکیل می‌دهد که معنابخش رفتارها و مجاهدت‌های او در عرصه‌های مختلف است. چنین نگرش و رفتار مجاهدانه‌ای، از او به‌عنوان الگو و قهرمان در جهان معرفی کرده است.

تفسیر توحیدی سردار سلیمانی از هستی و جهان منشأ رفتار مجاهدانه‌ای شد که ویژگی‌های آن اخلاص، ایثار، توکل به خدا و رهایی از هوای نفس، رهایی‌بخش ملت‌های تحت ستم و اشغال، دادرسی مظلومان، مبارز خستگی‌ناپذیر علیه استکبار و قدرت‌های سلطه‌گر، مقاومت و ایستادگی در برابر زر و زور و تزویر و نافی هر نوع سازش و تسلیم و ذلت بود. مبارزه و جهاد او از منطق اشداء علی الکفار و رحماء بینهم پیروی می‌کرد. عزت‌خواهی، عزت‌رسانی و عزت‌گستری و استقلال‌طلبی او ریشه در «مَنْ كَانَ يُرِيدُ الْعِزَّةَ فَلِلَّهِ الْعِزَّةُ جَمِيعًا» (فاطر: ۱۰) داشت. بر همین مبنا کسب، حفظ و گسترش کرامت انسانی، حق‌طلبی، صلح‌طلبی، استقلال‌طلبی و ضد تحقیر و تخفیف و وابستگی ملت‌ها اصل ثابت رفتاری او را تشکیل می‌داد. مجاهدت‌های او در مدار توحید، ولایت محوری، عقلانیت توأم با معنویت، آرمانگرایی همراه با واقع‌بینی، شجاعت همراه با تدبیر، مصلحت‌محور ضد محافظه‌کارانه، و خستگی‌ناپذیر و ضد عافیت‌طلبی، متشرع و مردم‌محور بود و چتر امنیتی او برای همه انسان‌های شرافت‌مند و تحت ستم بود.

پیشران بودن نگرش هستی‌شناسی توحیدی در رفتارهای مجاهدانه سردار سلیمانی سبب شد تا پیوند جغرافیایی بین ایران، عراق، سوریه، لبنان و یمن از یک سو و پیوند ارزشی روحی، معنوی در بین دوستداران اهل‌بیت از سوی دیگر شکل گیرد که از رهگذر آن طول و عرض جبهه مقاومت در جهان گسترش یابد و در این راستا، ارتشی چندملیتی را برای دفاع از حریم مسلمانان به وجود آورد که سابقه‌ای کم‌نظیری در تاریخ معاصر دارد.

منابع

- قرآن کریم.
- بیانات رهبر معظم انقلاب: <https://farsi.khamenei.ir>
- بنی لوحی، سید علی (۱۳۹۸)، /این مرد پایان ندارد، تهران: انتشارات راه بهشت.
- تولایی، محمدعلی (۱۳۹۸)، شرح دلبری (شرحی بر وصیت‌نامه سردار سپهبد شهید حاج قاسم سلیمانی)، مشهد: انتشارات آستان قدس رضوی.
- جعفری، عابدی و همکاران (۱۳۹۰)، تحلیل مضمون و شبکه مضامین: روشی ساده و کارآمد برای تبیین الگوهای موجود در داده‌های کیفی، اندیشه مدیریت راهبردی، س ۵، ش ۲.
- جعفری، سردار فتح‌الله، «دو ابزاری که همیشه در کوله‌پشتی سردار سلیمانی بود»، دسترسی در: <https://www.khabaronline.ir/news/1339650> ، ۱۳۹۸/۱۰/۲۷.
- راغب اصفهانی، حسین بن علی (۱۳۸۷)، مفردات الفاظ قرآن کریم، ترجمه: حسین خداپرست، قم: دفتر نشر نوید اسلامی.
- سعادت نژاد، اسماعیل، «حماسه‌های حاج قاسم در جنگ ۳۳ روزه از زبان مشاور عالی فرمانده نیروی قدس»، دسترسی در: <https://www.isna.ir/news/99052922207> ، ۱۳۹۹/۵/۲۹.
- سلیمانی، قاسم، «سخنرانی در جلسه‌ای با حضور پیش‌کسوتان جهاد و شهادت و برخی فرماندهان سال‌های دفاع مقدس در مسجد ولی‌عصر(عج) تهران»، دسترسی در: <https://www.tasnimnews.com/fa/news/2421105> . ۱۳۹۹/۱۰/۱۰.
- _____ «دست‌نوشته سردار سلیمانی در رابطه با محرم»، دسترسی در: <https://donya-e-eghtesad.com> ، ۱۳۹۹/۵/۳۱.
- _____ «میزان فرصتی که در بحران‌ها وجود دارد در خود فرصت‌ها نیست»، دسترسی در: <https://www.mizanonline.com/fa/news/432246> . ۱۳۹۷/۴/۹.
- _____ «دست‌نوشته شهید سلیمانی خطاب به بسیجیان»، دسترسی در: <https://www.mehrnews.com/news/5080946> ، ۱۳۹۹/۹/۵.
- _____ «سخنرانی سردار سلیمانی در کنگره ملی ۸ هزار شهید استان گیلان»، دسترسی در: <http://www.gilanestan.ir> . ۱۳۹۵/۲/۱۴.
- _____ «خدا با ماست»، دسترسی در: <https://www.yjc.ir/fa/news/6847451> . ۱۳۹۷/۱۲/۸.

- «سخنرانی سردار سلیمانی در جمع مدافعان حرم»، دسترسی در: <https://ana.press/fa/news/19/47069>. ۱۳۹۴/۱۰/۱۰.
- «سخنرانی سردار سلیمانی در کنگره بزرگداشت ۶۵۰۰ شهید استان کرمان»، دسترسی در: <http://kayhan.ir/fa/۲۲۱۳۷>. ۱۳۹۷/۱۲/۹.
- «اساس یادواره‌های شهدا عبرت‌آموزی است» دسترسی در: <https://www.hamshahrionline.ir/news/332143>. ۱۳۹۵/۲/۱۰.
- «در مراسم چهلمین روز شهادت شهید حسین‌پور در شلمان»، دسترسی در: <https://www.mehrnews.com/news/4093852>. ۱۳۹۶/۶/۳۰.
- «روایت حاج قاسم سلیمانی و سرلشکر رشید از شهید احمد کاظمی»، دسترسی در: <https://snn.ir/fa/news/658783>. ۱۳۹۶/۱۰/۹.
- «خدمت به مردم»، دسترسی در: <https://www.jamaran.news>. ۱۳۹۷/۴/۱۳.
- «سخنرانی حاج قاسم سلیمانی در یادواره شهدای ادوات لشکر ۴۱ ثارالله در حسینیّه ثارالله کرمان»، دسترسی در: <https://defapress.ir/fa/news/358003>. ۱۳۹۲/۵/۲۴.
- «سخنرانی در اجتماع رزمندگان لشکر ۴۱ ثارالله»، دسترسی در: <http://www.jahannews.com/news/618113>. ۱۳۹۷/۳/۱۸.
- «سخنرانی در همایش سراسری فرماندهان ناجا»، دسترسی در: <https://www.mizanonline.com/fa/news/513665>. ۱۳۹۸/۲/۹.
- «سخنرانی در یادبود سومین سالگرد عروج آسمانی شهید مدافع حرم مهدی نوروزی»، دسترسی در: <https://www.ima.ir/news/82800100>. ۱۳۹۶/۱۰/۲۸.
- «سخنرانی سردار حاج قاسم سلیمانی در یادواره عملیات رمضان در شهر همدان»، دسترسی در: <http://mgt.ihu.ac.ir/news/recent-news-archive/1397>. ۱۳۹۷/۵/۴.
- «سخنرانی سردار سلیمانی در جمع مدافعان حرم»، دسترسی در: <https://www.khabaronline.ir/news/47389>. ۱۳۹۴/۸/۱۰.
- «ناگفته‌های جنگ ۳۳ روزه در گفتگو با سرلشکر حاج قاسم سلیمانی»، دسترسی در: <http://farsi.khamenei.ir/others-dialog?id=43598>
- وصیت‌نامه، ۱۳۹۸/۱۱/۲۳.
- «سخنرانی در سالگرد شهادت شهید همدانی»، دسترسی در: خبرگزاری تسنیم، ۱۳۹۵/۷/۱۴.

- _____ «گزیده‌هایی از سخنرانی شهید حاج قاسم سلیمانی در جمع رزمندگان ایرانی شرکت‌کننده در آم المعارک عملیات آزادسازی شهر البوکمال سوری»، دسترسی در: <http://mgt.ihu.ac.ir/page/hard-revenge>, ۱۳۹۶/۹/۵.
- _____ «نامه سردار سلیمانی به سردار شهید حسین پورجعفری»، دسترسی در: <https://donya-e-eqtesad.com>, ۱۳۹۹/۶/۱۳.
- _____ شیرازی، علی، «سخنرانی در جلسه عمومی مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس»، دسترسی در: <https://www.isna.ir/news/98111410258>, ۱۳۹۸/۱۱/۱۴.
- _____ طباطبایی، محمدحسین (۱۳۷۴)، *تفسیر المیزان*، سید محمدباقر موسوی همدانی، قم: اسلامی.
- _____ طهماسبی، عالمه و همکاران (۱۳۹۹)، *سلیمانی عزیز*، قم: حماسه‌سازان.
- _____ قالیباف، محمدباقر، «در گفت‌وگو با برنامه روایت حبیب»، دسترسی در: <https://www.icana.ir/Fa/News/45643>, ۱۳۹۹/۷/۲.
- _____ قرائتی، محسن (۱۳۸۳)، *تفسیر نور*، ج ۴، تهران: مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن.
- _____ قرائتی، محسن، «سردار سلیمانی لحظه‌ای از جلب رضایت الهی غفلت نکرد»، دسترسی در: <https://rasanews.ir/fa/news/634520>, ۱۳۹۸/۱۰/۱۹.
- _____ کوثری، یدالله (۱۳۸۶)، «حب و بغض در تحلیلی روان‌شناختی با نگاهی به آیات و روایات»، فصلنامه معرفت، س ۱۶، ش ۱۱۲، فروردین، ص ۱۲۵-۱۴۲.
- _____ محمدی ری‌شهری، محمد و فرزندگان، حسن (۱۳۹۲)، *میزان‌الحکمه*، ترجمه حمیدرضا شیخی، تهران: مؤسسه فرهنگی دارالحدیث.
- _____ مطهری، مرتضی (۱۳۷۷)، *مجموعه آثار استاد شهید مطهری*، ج ۱۳، تهران: صدرا.
- _____ (۱۳۸۹)، *مجموعه آثار استاد شهید مطهری*، ج ۱۵، تهران: صدرا.
- _____ (۱۳۹۴)، *مجموعه آثار استاد شهید مطهری*، ج ۲، وحی و نبوت، تهران، صدرا.
- _____ (۱۳۹۲)، *مجموعه آثار استاد شهید مطهری*، تهران: صدرا.
- _____ (۱۳۸۷)، *مجموعه آثار استاد شهید مطهری*، تهران: صدرا.
- _____ موسوی خمینی، سید روح‌الله (۱۳۷۸)، *کشف‌الاسرار*، ج ۵، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- _____ (۱۳۸۹)، *صحیفه امام*، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- _____ نوری، حسین (۱۳۷۷)، *جهاد*، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- _____ مهروان فر، ابودر (۱۳۹۷)، *برادر قاسم*، تهران: مهر امیرالمؤمنین.